

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۰، بهار ۱۳۸۸، ۱۵۵ - ۱۲۱

بر آورد تعرفه فصلی واردات منتخبی از محصولات کشاورزی ایران

میرعبدالله حسینی* دکتر غلامرضا حیدری**

پذیرش: ۸۷/۱۰/۳۰

دریافت: ۸۶/۵/۱۷

تعرفه فصلی / معادل تعرفه‌ای / عرضه / تقاضا / تجارت / محصولات کشاورزی / ایران

چکیده

تعرفه فصلی نوعی از تعرفه گمرکی است که در مقاطع مختلف زمانی با نرخ متفاوتی وضع می‌شود. از تعرفه فصلی موقعی استفاده می‌شود که توازن عرضه و تقاضا به‌طور معنی داری در فصول مختلف سال تغییر کند. دایره شمول تعرفه فصلی صرفاً به محصولات کشاورزی محدود نمی‌شود، بلکه بدلیل تغییرات فصلی در میزان تقاضا و عرضه می‌تواند حوزه نسبتاً وسیع‌تری را در برگیرد. ماهیت شکل‌گیری تعرفه فصلی عمدتاً بر دو محور نوسان قیمت‌ها و ضرورت تنظیم بازار استوار است. در تدوین این مقاله سه هدف مدنظر بوده است: ۱. شناسایی آن دسته از محصولات کشاورزی که باید مشمول تعرفه فصلی قرار گیرند؛ ۲. مشخص کردن ماه‌هایی از سال که تعرفه فصلی باید بر این محصولات اعمال شود و ۳. تعیین میزان تعرفه فصلی برای این محصولات. روش مطالعه تعرفه فصلی با استفاده از روش شکاف قیمتی و حقوق ورودی موجود برای سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ محاسبه و تحلیل شده است.

مطابق نتایج پژوهش در میان ۲۹۴ محصول کشاورزی، ۸ محصول شامل سیب درختی، پرتقال، انگور، سیب زمینی، پیاز، نخود، هندوانه و گوجه فرنگی به سبب نوسان در بهای ماهانه

Hosseini_Mir@yahoo.com

* عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

** عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی و پژوهشگر مسائل توسعه پایدار

Heydari51@yahoo.com

کشاورزی و روستایی

■ میرعبدالله حسینی، مسئول مکاتبات.

در طی دوره جهت اعمال تعرفه فصلی در اولویت قرار دارند. دوره زمانی اعمال تعرفه فصلی - دوره برداشت و کف شاخص بهای ماهانه - محصولات فوق بشرح زیراست: سیب درختی: مرداد تا اول اسفند؛ پرتقال: مهر تا اول اسفند؛ انگور: مرداد تا اول اسفند؛ سیب زمینی: تیر تا اول اسفند؛ پیاز: اردیبهشت تا اول دی؛ نخود: خرداد تا شهریور؛ هندوانه: تیر تا اول آذر؛ گوجه فرنگی: خرداد تا اول دی هر سال. مضافاً، مطابق نتایج تحقیق، نرخ تعرفه فصلی (که برابر با تعرفه تثبیت شده یا حداکثر نرخ تعرفه مجاز دانسته شده) برای واردات در دوره برداشت از حداکثر ۸۱ درصد برای هندوانه تا حداقل ۴۷/۵ درصد برای سیب زمینی برآورد می شود.

طبقه بندی JEL: Q18, Q17, F13.

مقدمه

گرایشات مبتنی بر اصلاح سیاست تجارت خارجی در ایران در دهه اخیر به سبب فضای حاکم بر اقتصاد داخلی و جهانی، امری اجتناب‌ناپذیر شده است. کشور ایران در این زمینه در طول برنامه سوم گام‌های مناسبی برداشته که برای نمونه می‌توان به تصمیمات اتخاذ شده دولت در تک‌نرخی کردن ارز، حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به معادل‌های تعرفه‌ای، پیگیری عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، تنظیم انحصارات و رقابتی نمودن اقتصاد اشاره کرد. در تحلیل تحولات اقتصادی کشورها مجموعه این اقدامات به تعبیری همگرایی و تعامل فعال یا جهانی شدن در راستای استراتژی توسعه صادرات قلمداد می‌شود.

اصلاح سیاست تجاری در تجارت خارجی کشور به منظور فراهم آوردن فضای رقابتی برای بخش‌های مختلف اقتصاد، از جمله بخش کشاورزی است. این سیاست‌ها در حالی صورت می‌پذیرد که کشاورزی ایران سالیان درازی تحت تاثیر سیاست‌های حمایتی از جمله سیاست تجاری، ارزی، قیمتی، اعتباری و تولیدی بعضاً متناقض حمایتی و تبعیضی بوده است. این موضوع از طریق موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌های بالا، نرخ‌های چندگانه ارز، یارانه‌های نهاده‌ای و کنترل قیمت‌ها صورت پذیرفته است. بنابراین با توجه به ساختار قیمتی توأم با اختلالات شدید، علی‌رغم وجود انواع حمایت‌ها که ظاهراً از کشاورزی به عمل آمده، ارزیابی دقیقی از چگونگی و میزان حمایت واقعی از این بخش و محصولات آن در دست نیست. در این میان توجه به تعرفه‌های فصلی به عنوان یکی از سیاست‌های موثر در حمایت از محصولات کشاورزی بیش از سایر سیاست‌های حمایتی مغفول واقع شده است.

تعرفه فصلی نوعی از تعرفه گمرکی است که در مقاطع مختلف زمانی با نرخ متفاوتی وضع می‌شود. از تعرفه فصلی موقعی استفاده می‌شود که توازن عرضه و تقاضا به طور معنی‌داری در فصول مختلف سال تغییر کند. دایره شمول تعرفه فصلی به محصولات کشاورزی محدود نمی‌شود، بلکه بدلیل تغییرات فصلی در تقاضا و عرضه

می تواند حوزه نسبتاً وسیع تری را در برگیرد. ماهیت شکل گیری تعرفه فصلی عمدتاً بر دو محور نوسان قیمت‌ها و ضرورت تنظیم بازار استوار است.

این مقاله در جستجوی پاسخ به این سوالات است که چه میزان تعرفه فصلی مناسب برای انواع محصولات وارداتی کشاورزی در دوره‌های زمانی مختلف باید وضع شود تا ساختار قیمت‌ها و انگیزش تولید آن در بازار داخلی دچار اختلال شدید نشود. این تحقیق در صدد تعیین نوع محصولات، دوره و میزان تعرفه فصلی این محصولات است. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر به سه سؤال زیر پاسخ داده می‌شود: ۱- محصولات کشاورزی مشمول تعرفه فصلی کدامند؟ ۲- چه ماه‌هایی از سال برای اعمال تعرفه فصلی محصولات منتخب مناسب است؟ و ۳- میزان تعرفه فصلی این محصولات به چه میزان است؟

در خصوص روش مطالعه خاطر نشان می‌شود که ابتدا بر اساس طبقه‌بندی سازمان خوار بار و کشاورزی ملل متحد، بانک مرکزی ج.ا.ایران و گمرک (نظام هماهنگ کد گذاری کالا)، محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه فصلی با استفاده از آماره‌های پراکنندگی توزیع شاخص بهای ماهانه محصولات کشاورزی شناسایی شدند. سپس دوره زمانی اعمال تعرفه فصلی با عنایت به دوره زمانی برداشت محصول و کف شاخص بهای ماهانه آن تعیین شد و آنگاه با استفاده از مجموعه شاخص‌ها، وضعیت بازار داخلی و خارجی محصولات تحت شمول تعرفه فصلی مورد تحلیل قرار گرفت و میزان تعرفه فصلی با استفاده از دو روش شکاف قیمتی و حقوق ورودی موجود محاسبه و تحلیل شد. دوره زمانی تحقیق سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ می‌باشد، هرچند در مواردی از آخرین اطلاعات موجود در سال ۱۳۸۵ نیز استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات آماری مقاله حاضر از نشریات نهادهای متولی تولید آمار نظیر گمرک ایران (سالنامه آمار بازرگانی)، مرکز آمار ایران (قیمت فروش محصولات و هزینه خدمات کشاورزی)، وزارت بازرگانی (مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن)، وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی ج.ا.ایران، پایگاه آماری سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) برای سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ به دست آمده است.

مقاله حاضر در هشت قسمت ارائه شده است. قسمت اول و دوم مقاله به بیان مقدمه و

تشریح مبانی نظری سیاست تجاری می‌پردازد. قسمت سوم به شرح بازار محصولات کشاورزی ایران اختصاص دارد و در قسمت چهارم سیاست تجاری کشاورزی ایران با توجه به پیشینه تعرفه فصلی ارایه می‌شود. قسمت‌های پنجم و ششم به چگونگی انتخاب محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه فصلی و مقاطعی از سال که مشمول تعرفه فصلی قرار گیرند، می‌پردازد. قسمت هفتم به تعیین میزان تعرفه‌های فصلی بر واردات محصولات کشاورزی دارای تولید داخلی اختصاص یافته است و در قسمت پایانی (هشتم) نیز نتیجه‌گیری و یافته‌های تحقیق ارایه شده است.

۱. چارچوب نظری سیاست تجاری حمایتی

مطالعه نظریه‌های تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد که «تجارت آزاد» به استفاده بهینه از منابع تولید جهانی منجر می‌شود و به تبع آن تولید جهانی افزایش می‌یابد. اساس این نظریه‌ها در این است که تجارت برای همه کشورها دارای «منافع» است؛ با وجود این، در دنیای واقعی و در صحنه تجارت بین‌الملل، کشوری مشاهده نمی‌شود که به نوعی در جریان آزاد مبادلات تجاری «محدودیت» ایجاد نماید و به دلایل مختلف از سیاست‌های مداخله‌جویانه در عرصه تجارت استفاده نکند. از آنجا که این محدودیتها و مقررات به قلمرو تجاری کشورها مربوط می‌شود، لذا معمولاً تحت عنوان سیاست تجاری شناخته شده‌اند. محدودیت‌های اعمال شده در چارچوب سیاست تجاری به دو گروه، «محدودیت‌های تعرفه‌ای» و «محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای» طبقه‌بندی می‌شود. مهمترین نوع محدودیت تجاری «تعرفه گمرکی» نام دارد. تعرفه، مالیاتی است که بر یک کالا هنگام عبور از مرز یک کشور وضع می‌شود.

تعرفه گمرکی مهم‌ترین ابزار سیاست تجاری است که اساساً در جهت حمایت از تولید داخلی وضع می‌شود، علاوه بر آن اثر در آمدی، باز توزیعی و پیشبرد صنایع نوپا را نیز نباید از نظر دور داشت. اثرات اعمال تعرفه بر گروه‌های اقتصادی (مصرف‌کننده و تولیدکننده) هم سو نبوده، بلکه آنچه در این میان اهمیت دارد بهره‌گیری مناسب از این ابزار است که بتواند در بلندمدت اثرات خالص مثبت را بر رفاه جامعه و تخصیص منابع به همراه داشته

باشد.

از تعرفه فصلی موقعی استفاده می‌شود که توازن عرضه و تقاضا به‌طور معنی‌داری در فصول مختلف سال تغییر نماید. بنابراین تعرفه فصلی نوعی از تعرفه گمرکی است که در مقاطع مختلف زمانی با نرخ متفاوتی وضع می‌شود. این تعرفه اغلب بر محصولات کشاورزی و در زمان برداشت محصول در کشور وضع‌کننده تعرفه دارای بالاترین نرخ می‌باشد. با این حال شمول تعرفه فصلی صرفاً به محصولات کشاورزی اختصاص نداشته و می‌تواند حوزه نسبتاً وسیع‌تری نظیر آب، برق و غیره نیز بدلیل تغییرات فصلی در تقاضا و عرضه را در بر بگیرد. ماهیت شکل‌گیری و فلسفه وجودی تعرفه فصلی عمدتاً بر کاهش نوسان قیمت‌ها و ضرورت تنظیم بازار استوار است.

۱-۱. نوسان قیمت‌ها

اساساً طبیعت بازار بر نوسان قیمت‌ها و جریان عرضه و تقاضا استوار است. تغییرات این دو عامل باعث می‌شود که قیمت‌ها نیز تغییر پیدا کند. اما نوسان قیمت می‌تواند پدیده‌ای خوب یا بد باشد و این امر بستگی به نوع دیدگاه و نحوه تحلیل شرایط دارد. در واقع نوسان قیمت‌ها را باید از جنبه تاثیراتی که بر زندگی افراد می‌گذارد بررسی کرد، زیرا گروهی از این امر سود می‌برند و گروهی دیگر زیان می‌بینند. گاهی نوسانات شدید و غیرقابل کنترل قیمت‌ها نگرانی و زیان تولیدکننده یا مصرف‌کننده را در پی دارد.

نوسان در قیمت محصولات کشاورزی در مقایسه با کالاهای صنعتی بیشتر و در عین حال طبیعی‌تر است، زیرا شرایط تولید و عرضه محصولات در این دو بخش متفاوت است. ماهیت تولید فصلی سبب می‌شود که در فصول مختلف سال قیمت‌های متفاوتی در بازار وجود داشته باشد، در عین حال تقاضا برای محصولات غذایی در تمامی فصول سال یکسان نیست، مثلاً تقاضا برای مواد پروتئینی در تابستان کم و در زمستان زیاد می‌شود. پس نمی‌توان انتظار داشت که حتی اگر عرضه یکسان باشد قیمت محصولی مثل گوشت مرغ

در طول سال یکسان شود^۱.

پدیده نوسان شدید قیمت‌ها در اقتصاد دارای آثار مستقیم و جانبی فراوانی است، برای نمونه اگر نتوان نوسانات قیمت را پیش‌بینی کرد، نمی‌توان برنامه تولید را با میزان مصرف تنظیم نمود، در نتیجه همه فعالین در بازار در بلا تکلیفی تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. اما برای ایجاد ثبات در امر تولید باید نوسانات معقولی در بازار اتفاق بیفتد، لذا مساله‌ای به نام تنظیم بازار مطرح می‌شود. در این شرایط دولت باید تلاش کند تا از شدت نوسانات کم کند، هرچند که وجود این نوسانات در حد کم و منطقی قابل قبول است^۲. از آن‌جا که طبیعت بازار بر پایه نوسان قیمت‌ها استوار است، مطالعه اثر این تغییرات بر فعالین اقتصادی حائز اهمیت است. زیرا تغییرات قیمت، سود و زیان را برای گروه‌های ذی‌ربط به همراه دارد. از سوی دیگر نوسان قیمت نیز منجر به واکنش طرف‌های عرضه و تقاضا می‌شود که عکس‌العمل آن از سمت عرضه به مراتب بیشتر است. با این حال، محصولات کشاورزی از قابلیت پیش‌بینی بالایی در تعیین شکاف عرضه و تقاضا و به تبع آن نوسان قیمت‌ها برخوردار بوده و با اعمال تعرفه فصلی سازگاری بیشتری دارد.

۲-۱. تنظیم بازار

دومین دلیل موثر در استفاده از تعرفه‌های فصلی، مسئله تنظیم بازار است. زیرا نارسایی‌های ناشی از نوسانات در عملکرد بازار به نوعی کشورها را به سوی سیاست‌های تنظیم بازار سوق می‌دهد. طبعاً کشورهایی که وابستگی بیشتری به بخش کشاورزی دارند،

۱. گفنتی است تقاضا برای محصولی مانند پوشاک در طول سال تقریباً ثابت است، اما ماهیت محصولات غذایی به گونه‌ای است که طرف تقاضا نوسانات خاص خود را دارد و این نوسانات برای طرف عرضه به مراتب بیشتر است. همچنین برای تولید برخی محصولات محدودیت‌های زمانی وجود دارد مانند عرضه محدود مرکبات در فصول بهار و تابستان نوسان و تغییر قیمت‌ها را به وجود می‌آورند.

۲. برای نوسان قیمت عدد وجود ندارد بلکه میزان نوسان بسته به نوع محصول و شرایط جامعه‌ای که در مورد آن صحبت می‌شود متفاوت است. در جامعه‌ای مانند ایران در طول دو دهه گذشته، شرایط تورمی شدید باعث شده که نوسانات قیمت برای مردم قابل انتظار باشد ولی در جوامع صنعتی که نوسانات قیمت در حد ۲ تا ۳ درصد است، اگر یک نوسان ۵ درصدی به وجود آید، غیرمنتظره است، در عین حال این نوسان در مورد محصولات مختلف نیز متفاوت است، مثلاً اهمیت نوسان قیمت توت‌فرنگی به مراتب کمتر از نوسان قیمت مرغ است.

از این ابزار استفاده موثرتری می‌نمایند.

از عوامل تاثیرگذار بر تنظیم بازار می‌توان به گردش اطلاعات، الگوی مصرف، میزان سود ذی‌نفعان در بازار، بنگاههای بازاریابی و بالاخره سیاستهای مرتبط از جمله سیاست وام و قیمت تضمینی، تعرفه فصلی، قیمت اعتباری، قیمت هدف، پرداخت جبرانی و سیستم بیمه درآمد اشاره کرد.

سیاست تعرفه فصلی نیز از ابزارهایی است که در برخی کشورها اجرا می‌شود؛ بدین ترتیب در فصلی که میزان تقاضای محصولی زیاد است به ناگزیر واردات انجام می‌شود و تعرفه‌ها پایین می‌آید و در فصلی دیگر که تولید زیاد و تقاضا کم است تعرفه را بالا می‌برند تا واردات محدود شود و بدین ترتیب تنظیم بازار صورت گیرد.

تنظیم بازار همواره با پیچیدگی‌های خاص خود همراه است که بی‌توجهی به آنها می‌تواند اهداف سیاست را نارسا و یا در برخی مواقع وارونه نماید. در این ارتباط می‌توان به پاره‌ای از عوامل از جمله هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی ذیربط، مسئله توزیع و فاصله زمانی بین تولید و عرضه کالا به بازار، شناخت الگوی تجارت خارجی، مسئله رشد و جهانی شدن اقتصاد اشاره کرد.

تنظیم بازار به طور قطع یک امر حاکمیتی است و نمی‌توان به بخش خصوصی سپرد. دولت موظف است که شرایط رقابتی را به نحوی فراهم کند که هر کس تا حد مشخصی از منافع آن برخوردار شود. در شرایط کنونی وزارت بازرگانی به صورت قانونی متولی تنظیم بازار محصولات کشاورزی و وزارت جهاد کشاورزی متولی تولید آن است. اما واقعیت این است که بدون در نظر گرفتن مسائل قبل و بعد از تولید، نمی‌توان به تنظیم بازار پرداخت. به عبارت دیگر اگر وزارت جهاد کشاورزی از وضعیت تنظیم بازار بی‌اطلاع باشد نمی‌تواند برای تولید برنامه‌ریزی کند و بالعکس اگر وزارت بازرگانی از تولید اطلاع نداشته باشد، نمی‌تواند بازار را تنظیم کند. در این میان نقش واسطه‌ها در فرایند تنظیم بازار مهم است. تولیدکننده یک کالا را در یک مقطع زمانی تولید می‌کند، درحالی که عرضه آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف صورت می‌گیرد. این فرایند به‌عاملی به‌نام بازاریاب نیاز دارد تا محصول را خریداری، انبار، بسته‌بندی و آماده نماید تا در زمان مناسب عرضه کند و از

این بابت سود مناسبی بدست آورد.

بدین ترتیب برای حل مشکلات موجود در تنظیم بازار، ابتدا باید نهاد متولی تنظیم بازار به درستی تعیین شود، سپس با درک علمی و صحیح متولی از موضوع و با در اختیار داشتن ابزارهای مناسب و استفاده بهینه از آنها به تنظیم بازار پرداخت. عوامل بازار نیز برحسب خدماتی که ارائه می دهند باید سود ببرند. دولت نیز باید با نظارت و دخالت به موقع و نهادسازی مناسب شرایطی را فراهم آورد تا هرکس به تناسب نقشی که ایفا می کند از منافع برخوردار شود.

از سوی دیگر مطالعه سابقه تعرفه فصلی از منظر سازمان جهانی تجارت نشان می دهد که ماهیت و کارکرد تعرفه فصلی به سبب شفافیت، قابل پیش بینی بودن و اثر درآمدی، مشابه تعرفه گمرکی است و لذا در دسته بندی موضوعی، در زمره تعرفه گمرکی قرار می گیرد. همچنین، مطابق تعرفه های تثبیت شده و کاربردی از منظر سازمان جهانی تجارت، بالاترین تعرفه فصلی اعمال شده در دوره زمانی برداشت را می توان همان تعرفه های تثبیت شده دانست و در خارج از دوره برداشت نیز تعرفه فصلی استفاده شده را همان تعرفه کاربردی تلقی نمود.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با موضوع تعرفه های فصلی در متون ادبیات تجارت بین الملل در زیر مجموعه سیاست تجاری مورد بحث واقع می شود. در خصوص مطالعات خارج از کشور باید به مطالعات موردی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد اشاره کرد که برخی محصولات کشاورزی به ویژه محصولات باغی و فرآورده های آن را شامل می شود. از آن جمله مطالعات "آثار آزادسازی تجاری چندجانبه بر تجارت مرکبات تازه و فرآورده های آن"^۱ می باشد. این مطالعه نشان می دهد که رژیم های وارداتی برای محصول فوق در کشورهای مختلف متنوع است. بعضی از کشورهای بزرگ واردکننده مرکبات تازه مثل کانادا هیچ تعرفه ای اعمال نمی کنند. در حالی که در ژاپن بر واردات این محصول تعرفه

1. FAO, (2003), P:2.

فصلی اعمال می‌شود، بنحوی که تعرفه فصلی ارزشی ۱۸ درصد از اول ژوئن (اول تیرماه) تا ۳۰ نوامبر (دهم آذرماه) و برای بقیه سال ۳۶ درصد اعمال می‌شود. تعرفه فصلی جامعه اروپا مشتمل بر هشت نوع عوارض فصلی مختلف و سهمیه‌بندی تعرفه‌ای است. میانگین وزنی تعرفه‌های کاربردی برای واردات پرتقال تازه در بسیاری از کشورهای مهم واردکننده حدود ۱۳ درصد است، اما برای فرآورده‌های مرکبات تعرفه اضافی معناداری وضع می‌شود. برای مثال چین نرخ تعرفه شناور ۲۲/۶ درصدی برای مرکبات تازه وضع کرده، حال آن که این تعرفه تا ۷۰ درصد برای آب میوه آن افزایش می‌یابد. میانگین موزون تعرفه در جهان برای آب میوه پرتقال فشرده ۳۹ درصد است، در حالی که حداکثر تعرفه ارزشی مجاز در WTO (تعرفه تثبیت‌شده) برای مرکبات ۵۳ درصد می‌باشد.^۱

در داخل کشور مطالعه‌ای با عنوان تعرفه‌ی فصلی بویژه برای محصولات کشاورزی انجام نشده است. با این حال اشاره کوتاهی به نتایج برخی مطالعات مرتبط، به طرح جنبه‌های مختلف اهمیت این موضوع کمک می‌کند:

۱. مطالعه حسینی (۱۳۸۴) با عنوان "سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل تعرفه‌ای در قالب ضوابط سازمان جهانی تجارت"، نشان می‌دهد که هرچند موانع غیرتعرفه‌ای بر محصولات کشاورزی ایران در ظاهر با هدف حمایت از تولید داخلی وضع شده، اما اساساً نه تنها حمایت تجاری معنی داری از تولیدات داخلی نشده، بلکه به نحوی منجر به اخذ مالیات پنهان نیز شده است. با این حال، مطالعه روند سیاست تجاری کشاورزی ایران در سالهای برنامه سوم توسعه، بیانگر بهبود سیاست تجاری کشاورزی ایران در حمایت منطقی از محصولات کشاورزی است، چرا که طی این دوره معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای بسیاری از محصولات کشاورزی بهبود یافت، اصلاحاتی در زمینه تعرفه گمرکی به عمل آمد، از تعداد مجوزهای وارداتی و کالاهای ممنوع‌الورود کاسته شد و برخی موسسات تجاری دولتی انحلال یا ادغام شد.

۲. مطالعه حسینی (۱۳۸۴) با عنوان "اقتصاد گندم و سیاستهای حمایتی از آن در ایران" نشان می‌دهد که معادل تعرفه‌ای موانع تجاری غیرتعرفه‌ای واردات گندم در

1. USDA, (2002).

سال‌های ۸۰-۱۳۶۸، بالغ بر ۳۷/۸۵- درصد بوده که گویای اخذ مالیات ضمنی بر تولید آن محصول است. با این حال معادل تعرفه‌ای ارزشی طی این دوره بهبود یافته که حکایت از منطقی شدن سیاست تجاری واردات گندم دارد. در این میان افزایش شاخص ضمنی (خرید تضمینی) قیمت گندم از زارعان در بهبود معادل تعرفه‌ای واردات آن، مهمترین نقش را ایفا کرده است.

۳. تحقیق عبدلی (۱۳۸۳) تحت عنوان "پیش‌بینی و تحلیل اثرات تقویمی نوسانات قیمت منتخبی از کالاهای اساسی در ایران (گوشت مرغ، گوشت گوسفند و تخم مرغ)" فرایندهای تصادفی مربوط به این سه کالا در سبد مصرفی خانوارها در شهر تهران را با استفاده از تکنیک فرایندهای خود همبسته با میانگین لغزان باکس^۱ مدل‌سازی و برآورد کرده است. برای آزمون مرتبه انباشتگی تکنیک بیولو و میران^۲ (۱۹۹۳) استفاده شده است و بعلاوه هدف دوم در این تحلیل‌ها محاسبه اثرات تقویمی قمری و شمسی در تعیین سطح قیمت‌ها بوده که برای دستیابی به این منظور از تکنیک بل و هیلمر^۳ (۱۹۸۳) استفاده کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ماه رمضان نقش بیشتری در افزایش قیمت کالاهای یادشده دارد. از میان ماه‌های شمسی بسته به نوع کالا، بعضی از ماه‌ها اثر مثبت و برخی دیگر اثر منفی در قیمت محصولات فوق دارند. بیشترین اثرات تقویمی قمری در قیمت خرده‌فروشی گوشت مرغ مشاهده می‌شود ولی قیمت تخم مرغ در ماه‌های شمسی بیشتر متاثر می‌باشد. قیمت گوشت قرمز دارای مسیر زمانی روندی بوده و علی‌رغم معنی‌دار بودن اثرات تقویمی، این اثرات از نوسانهای اندکی برخوردار می‌باشند.

۳. مطالعه بازار محصولات کشاورزی ایران

در یک‌نگاه، محصولات کشاورزی را در دو گروه مبادله‌ای و غیرمبادله‌ای می‌توان دسته‌بندی کرد. محصولات کشاورزی مبادله‌ای را به دو گروه وارداتی و صادراتی می‌توان تقسیم نمود. محصولات مبادله‌ای صادراتی را نیز به دو گروه محصولات مبادله‌ای صادراتی

1. Box.

2. Beaulieu & Miron.

3. Bell & Hillmer.

با هدف صادرات (سهم صادرات از تولید داخلی طی دوره بیش از ۵ درصد) و نیز محصولات مبادله‌ای صادراتی مازاد بر مصرف داخلی (سهم صادرات از تولید داخلی طی دوره کمتر از ۵ درصد) قابل تقسیم است.

محصولات کشاورزی مبادله‌ای وارداتی را نیز می‌توان به دو گروه؛ محصولات مبادله‌ای وارداتی رقیب تولید داخلی (بخشی از مصرف از طریق تولید داخلی تأمین می‌شود) و محصولات وارداتی بدون تولید داخلی (که از طریق واردات تأمین می‌شود) طبقه‌بندی کرد. همچنین محصولات کشاورزی غیرمبادله‌ای محصولاتی هستند که یا هیچ تجارتی (واردات و صادراتی) از آن صورت نمی‌گیرد و عموماً با هدف مصرف داخلی تولید می‌شود و یا این محصولات نه تنها هیچ تجارتی از آن صورت نگرفته، بلکه تولید داخلی آن صفر بوده و یا آن محصول به دلایل محیطی، اقلیمی و آب و هوایی و با الگوی مصرف داخلی ناشناخته تلقی می‌شود.

در جدول (۱)، تمامی ۷۹ محصول کشاورزی از بعد مبادله‌ای و غیرمبادله‌ای و اجزای آن برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۵ ارزیابی شده است. مطابق تعاریف فوق از این تعداد محصول ۱۹ محصول مبادله‌ای وارداتی رقیب تولید داخلی؛ ۱۰ محصول مبادله‌ای وارداتی با تولید داخلی صفر؛ ۱۴ محصول مبادله‌ای تولید با هدف صادرات؛ ۸ محصول مبادله‌ای صادراتی مازاد بر نیاز داخلی؛ ۱۴ محصول غیرمبادله‌ای با هدف مصرف داخلی و خودبسنده و بالاخره ۱۵ محصول غیرمبادله‌ای سایر تعلق داشته است. بالاترین تعداد محصولات به گروه محصولات وارداتی رقیب داخلی تعلق دارد.

بخش مهمی از مصرف داخلی محصولات مبادله‌ای وارداتی رقیب تولید داخلی، از واردات تأمین شده است. برای مثال، سهم واردات از تولید داخلی روغن آفتابگردان (۱۴۱۹)، موز (۹۶۱)، روغن سویا (۸۳۰)، ماهی اقیانوسی (۳۸۹)، دانه سویا (۱۸۹/۸)، ذرت (۱۲۳/۳)، شکر خام (۱۲۲)، روغن زیتون (۱۰۰)، برنج (۵۲/۲)، گندم (۴۸)، چربی‌های حیوانی (۳۶/۵) و جو (۲۳/۶) درصد بوده است و در نتیجه بالغ بر ۱۲ محصول بیش از ۲۳/۶ درصد از تولید از طریق واردات تأمین شده است.

جدول ۱- محصولات کشاورزی ایران از بعد مبادله‌ای و غیر مبادله‌ای و اجرای آن طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۵ (واحد به هزار تن و درصد)

غیر مبادله‌ای	غیر مبادله‌ای		صادرات				مبادله‌ای				واردات	
	با هدف معرف داخلی		میزان صادرات		با هدف صادرات		میزان واردات		تولید داخلی صفر		میزان تولید داخلی	
	تولید داخلی	نام محصول	میزان صادرات	نام محصول	میزان صادرات	نام محصول	میزان واردات	نام محصول	میزان تولید داخلی	تولید داخلی	میزان واردات	رقب نام محصول
مجموع با تولید صفر	۲۰۵۴	۱	۷۱	۱	۲	۱۱	۴	۱	۱	۴۸	۴۸۰۰	گندم
ذرت غلات	۴۸۰۰	۲	۵	۲	۳	۲	۴	۲	۳	۵۲۲	۸۳۸	۲ برنج
سیب زمینی شیرین	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳۲۶	۵۹۶	۳ جو
ذرت کلم قمری	۴۴	۴	۱۶۶	۴	۱۶۱	۴	۱	۴	۴	۱۲۳۳	۱۰۹۱	۴ ذرت
میز نخل خرما	۷۸۹	۵	۶۶	۵	۱۵۲	۵	۲	۵	۵	۱۲۲	۱۰۷۰	۵ شکر خام
روغن نخل کلم قمری	۲۶	۶	۲۳	۶	۸۸	۶	۴۷	۶	۶	۱۸۹/۸	۲۰۰	۶ دانه سویا
آب انار	۷	۷	۱	۷	۶	۷	۴	۷	۷	۸۳۰	۵۳۸	۷ روغن سویا
قهوه	۸	۸	۷	۸	۱۹۵	۸	۲	۸	۸	۱۴۱۹	۲۶۹	۸ روغن آفتابگردان
قهوه فلفل	۹	۹	۷	۹	۱۰۷	۹	۲۵	۹	۹	۱۰۰	۱	۹ روغن زیتون
غنیجه نخود کشته شده	۱۰	۱۰	۷	۱۰	۳۰۴	۱۰	۶	۱۰	۱۰	۹۶۱	۱۷۳	۱۰ موز
مشروبات الکلی	۱۱	۱۱	۷	۱۱	۱۳۵	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۵/۴	۱۹	۱۱ چای
گوشت خوک	۱۲	۱۲	۷	۱۲	۱۸	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۴/۵	۴۴	۱۲ گوشت گاو
سیر شیر (خام)	۱۳	۱۳	۷	۱۳	۷۲۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۴/۵	۴۴	۱۳ گوشت مرغ
روغن ماهی	۱۴	۱۴	۷	۱۴	۲	۱۴	۲	۱۴	۱۴	۱/۸	۱۷	۱۴ کره و پنیر
Demersal	۱۵	۱۵	۷	۱۵	۲	۱۵	۲	۱۵	۱۵	۱/۸	۱۷	۱۵ جزیبهای خام حیوانی
										۳۱/۵	۲۰	۱۶ شیر بجز کره
										۱/۸	۹۷	۱۸ ماهی آفتابروسی
										۳۸۹	۳۵۸	۱۹ سایر ماهیهای دریایی
										۰/۷	۴	۱۹ فراوانی معلق
										۱۹	۱۹ تعداد کالاها	

منابع: نتایج حاصل از تحقیق

این محصولات در سیاست تجاری از اهمیت خاصی برخوردار هستند؛ چرا که باید سیاست تجاری بنحوی تنظیم و اجرا شود که نه تنها تعادل عرضه و تقاضای داخلی به منظور تأمین خوراک انسانی تأمین شود، بلکه انگیزه تولید داخلی آن محصولات آسیب ندیده و رابطه مبادله به ضرر تولید داخلی آن محصولات منجر نشود. از لحاظ سیاستگذاری تجاری، بعد از گروه فوق گروه محصولات کشاورزی مبادله‌ای خودبسندگی قرار دارند و برای هر دو گروه فوق در شرایط برچیده شدن موانع غیر تعرفه‌ای، معادل تعرفه‌ای فصلی ارزشی می‌بایستی اعمال شود تا میزان حمایت از تولید داخلی را حفظ نماید.

۴. سیاست تجاری کشاورزی ایران با تاکید بر تعرفه‌های فصلی

طی سالهای بعد از انقلاب، بکارگیری استراتژی جایگزینی واردات در ایران، به پشتوانه درآمدهای ارزی سرشار نفتی، موجبات استفاده وسیع از سیاست‌های حمایتی اعم از تجاری، ارزی، اعتباری و قیمتی برای تولید و مصرف در ابعاد، اشکال و انواع مختلف را فراهم کرد. قبل از انقلاب - علی‌رغم وجود قانون انحصار تجارت خارجی - بخش خصوصی در واردات و صادرات کالا آزادی عمل داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۷-۱۳۳۹ متوسط نرخ تعرفه وصولی از واردات ۱۵/۹ درصد بود، درحالی که این رقم در سالهای ۱۳۶۹-۱۳۵۸، به ۳۰ درصد افزایش یافت. این افزایش نشان می‌دهد که بازرگانی خارجی در سال‌های بعد از انقلاب بیش از پیش تحت انواع محدودیتها قرار گرفت

هم‌اکنون حرکت به سوی اصلاح (وضع موجود) سیاست‌های حمایتی تجاری در ایران، بدلائیل مختلف داخلی و جهانی اجتناب‌ناپذیر شده است. ایران در این زمینه گام‌های مهمی برداشته که برای نمونه می‌توان به تصمیمات دولت در خصوص تک‌نرخ شدن ارز، برچیده شدن موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به معادلهای تعرفه‌ای (مطابق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه)، انجام اقداماتی در راستای عضویت ایران در WTO، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی در برنامه سوم و چهارم توسعه اشاره کرد که همسو با استراتژی توسعه صادرات (اقتصاد باز و رقابتی) بوده است. اهم اقدامات مرتبط با تعرفه فصلی در کشور طی چند سال اخیر به شرح زیر است:

۱- از سال ۱۳۸۳ به منظور تنظیم بازار میوه و جلوگیری از نوسانات قیمت، یک رشته اقدامات از قبیل تخصیص اعتبار و اعمال تعرفه فصلی با توجه به فرارسیدن دوره برداشت محصول صورت گرفت. برای مثال، در این ارتباط تعرفه واردات مرکبات که تولید داخلی آن از آبان به بازار عرضه می‌شود، به ۳۰ درصد می‌رسد و در اسفند با توجه به افزایش مصرف، تعرفه واردات این محصولات کاهش می‌یابد تا مشکلی برای تامین مرکبات در ایام نوروز بوجود نیاید. تامین میوه این ایام و جلوگیری از نوسانات قیمت، خرید و ذخیره سازی و بازگشت تعرفه واردات مرکبات در اسفند به تعرفه‌های قبلی اقداماتی است که برای مقابله با نوسان قیمت به اجرا در می‌آید. در سال ۱۳۸۴ در سود بازرگانی برخی از انواع میوه از جمله موز، آناناس، نارگیل، زردآلو و غیره تغییراتی اتفاق افتاد.

۲- براساس مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۵ حقوق ورودی پرتقال، نارنگی، سیب، زردآلو، گیلان و آلبالو متغیر است. با توجه به تصمیمات اتخاذ شده حقوق ورودی پرتقال و نارنگی از نیمه دوم بهمن تا پایان شهریور ۱۰ درصد است، اما از اول مهر تا نیمه دوم بهمن، به ۴۵ درصد ارزش کالا افزایش می‌یابد. حقوق ورودی سیب نیز ۱۰ درصد بوده، اما از اول تیر تا ۱۵ بهمن به ۴۵ درصد ارزش این کالا می‌رسد. حقوق ورودی گیلان و آلبالو نیز از اول اردیبهشت تا اول شهریور این سال مشمول ۴۵ درصد ارزش این میوه است. واردکنندگان زردآلو نیز از اول اردیبهشت تا اول شهریور مشمول پرداخت ۱۵ درصد ارزش این میوه به‌عنوان حقوق ورودی هستند. در بقیه ماه‌ها حقوق ورودی ۱۰ درصد است. حقوق ورودی موز در طول سال چهار درصد می‌باشد.

۳- بر این اساس، زمانی که تولید میوه داخلی رو به اتمام است، دولت اقدام به واردات میوه با تعرفه صفر می‌کند. در آستانه تولید انواع میوه، علی‌رغم افزایش تعرفه واردات، زمینه کاهش قیمت داخلی آن محصولات فراهم شده و به بازارهای داخل و خارج عرضه می‌شود. با اجرای موفقیت‌آمیز اعمال تعرفه فصلی، در فصل تولید میوه و با هدف حمایت از کشاورزان داخلی، نرخ تعرفه به گونه‌ای تنظیم می‌شود که جریان واردات کم شود و بالعکس پس از پایان فصل برداشت، کاهش تعرفه اتخاذ می‌شود. در دوره زمانی برداشت میوه در کشور با تعرفه بالا از تولید حمایت و در خارج از دوره زمانی فصل برداشت - به منظور جلوگیری از کمبود میوه در بازار، تعرفه کاهش می‌یابد.

۵. روش تحقیق

برای انتخاب محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه فصلی، بهای ماهانه این محصولات در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ مطالعه شده است. یک جنبه مهم از مطالعه توصیفی مشاهدات آماری، اندازه گیری عددی میزان پراکندگی داده های آماری است^۱. برای مقایسه عینی بین میزان پراکندگی متغیرها از چند آماره از جمله دامنه تغییرات، انحراف معیار و ضریب پراکندگی می توان استفاده کرد. بدین ترتیب محصولات کشاورزی ای که مجموعه آماره های پراکندگی بهای ماهانه آنها دارای بالاترین عدد بوده، در زمره محصولات کشاورزی دارای اولویت برای اعمال تعرفه فصلی شناخته شده اند.

به منظور مشخص کردن ماه هایی از سال برای محصولات کشاورزی برگزیده، علاوه بر استفاده از دوره زمانی برداشت آن محصولات، درصد کاهش شاخص بها و نوسانات آن در طول ماههای دوره زمانی ۸۴-۱۳۷۶، مبنای انتخاب دوره زمانی اعمال تعرفه فصلی می تواند قرار گیرد.

به منظور تعیین میزان نرخ تعرفه فصلی محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه فصلی، از روش شکاف قیمتی در دوره زمانی برداشت محصول و خارج از آن در هر سال استفاده شده است. در شکاف قیمتی جای قیمت داخلی برای تمام محصولات، قیمت های عمده فروشی، و در صورت عدم دسترسی به آن، قیمت های تولید کننده بعنوان مناسب ترین معیار محسوب می شود و مناسب ترین قیمت به جای قیمت جهانی، میانگین قیمت سیف وارداتی کشور مورد نظر است. بالاخره با استفاده از میانگین سالانه نرخ ارز بازار برای همان دوره، نرخ تبدیل قیمت دلاری به پول محلی صورت می گیرد.

فرمول زیر برای محاسبه معادل تعرفه ای ارائه شده است^۲:

$$T_{ad} = [(P_d - P_w * e) / (P_w * e)] * 100$$

که در آن: T_{ad} معادل تعرفه ارزشی^۳؛ P_d قیمت عمده فروشی محصول در کشور؛ P_w

۱. دو مجموعه از مشاهدات آماری ممکن است دارای مرکز یکسانی باشند، اما پراکندگی آنها به طرز فاحشی باهم متفاوت باشد.

۲. Summer, (1992).

۳. Ad Valorem Tariff.

قیمت سیف وارداتی و e نرخ ارز آزاد است. برای تعیین میزان نرخ تعرفه فصلی محصولات کشاورزی منتخب برای فصول برداشت از رابطه فوق با توجه به متوسط شاخص بها در دوره برداشت و خارج از آن مطابق روابط زیر تعدیل گردید:

$$MST_{ad} = [(P_d - P_w * e) / (P_w * e)] * (\bar{P}_{ns} / P_s) * 100$$

در این رابطه، MST_{ad} = میزان تعرفه فصلی ارزشی محصولات کشاورزی منتخب به درصد

P_s = قیمت تولید کننده/عمده فروشی داخلی ماهانه محصولات کشاورزی در زمان برداشت محصول

P_{ns} = قیمت تولید کننده/عمده فروشی داخلی ماهانه این محصولات در زمان خارج از برداشت

و e = نرخ ارز آزاد (نرخ تبدیل دلار به ریال)^۱

البته برای ماههای مختلف سال نیز امکان محاسبه تعرفه فصلی میسر بود، اما با هدف ساده سازی و کاربردی کردن نتایج محاسبات، آمارهای شاخص بهای ماهانه تنها به دوره برداشت محصول و خارج از آن تفکیک و اکتفا شد. ناگفته نماند در این قسمت از محاسبات مفروضاتی بشرح زیر مدنظر بوده است:

فرض شده که کاهش و نوسان قیمت داخلی محصولات کشاورزی ناشی از عرضه انبوه داخلی در زمان برداشت محصول هم زمان با واردات با تعرفه پایین در بازار داخلی این محصولات اتفاق می افتد.

فرض شده اختلاف قیمت داخلی و قیمت جهانی ناشی از آثار محدود کننده موانع غیر تعرفه ای موجود در بازار است.

برای رابطه فوق ایرادهایی از جمله کیفیت متفاوت محصول، سطح توسعه یافتگی کشورها، شیوه های گوناگون طبقه بندی کالا و چگونگی انتخاب اجزای

۱. متوسط نرخ ارز (ریال/دلار) در بازار بین بانکی (نرخ مرجع) سالهای ۸۴-۱۳۷۶ به شرح زیر است: در سال ۱۳۷۶، ۳۰۰۷/۵؛ ۱۳۷۷، ۳۴۷۱/۵۳؛ ۱۳۷۸، ۸۱۶۴/۰۸؛ ۱۳۷۹، ۷۹۱۶/۶؛ ۱۳۸۰، ۷۹۲۴؛ ۱۳۸۱، ۷۹۷۷/۰۴؛ ۱۳۸۲، ۸۲۸۱/۵۳؛ ۱۳۸۳، ۸۷۱۹؛ و ۱۳۸۴، ۹۰۲۶.

شاخص وارد است که در فرایند محاسبه حتی المقدور جهت رفع ابهامات فوق تدابیری اندیشیده شد. البته گفتنی است در محاسبه تعرفه‌ی فصلی محصولات کشاورزی، با وجود استفاده از روش قیمتی، بنحوی عمل شده که نرخ ارز بازاری، موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ای، یارانه نهاده‌های تولید و قیمتگذاری تضمینی را در نظر می‌گیرد.

۶. چگونگی انتخاب محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه‌های فصلی

در این قسمت ابتدا اطلاعات آماری شاخص بهای ماهانه ۲۹۴ قلم (گروه) کالای کشاورزی از اداره کل آمار بانک مرکزی برای سالهای ۸۴-۱۳۷۶ جمع‌آوری شد. با مطالعه شاخص بهای ماهانه نتیجه می‌شود میانگین شاخص بهای عمده‌فروشی این محصولات از ۱۰۰ در سال ۱۳۷۶ به ۳۰۳/۱۵ در سال ۱۳۸۴ به بیش از سه برابر و در واقع ۱۴/۸۷ درصد در سال افزایش یافته است. همچنین، انحراف معیار شاخص بهای عمده‌فروشی این محصولات از ۱۰/۱۷ در سال ۱۳۷۶ به ۲۵/۸۴ در سال ۱۳۸۴ افزایش نشان می‌دهد. این در حالی است که ضریب تغییرات شاخص بهای این محصولات از ۱۰/۱۷ در سال ۱۳۷۶ به ۷/۹۲ در سال ۱۳۸۴ روبه کاهش گذاشته است. در واقع با وجود افزایش شاخص بهای عمده‌فروشی این محصولات از بی‌ثباتی نسبی آن کاسته شده است. از اطلاعات آماری مذکور، مجموعه پارامترها اعم از میانگین، حدبالا، حد پایین، انحراف معیار، دامنه تغییرات و ضریب تغییرات شاخص بهای ماهانه عمده‌فروشی ۲۹۴ قلم کالا محاسبه شده که در جدول (۲) محصولات کشاورزی با ضریب تغییرات شاخص بهای ماهانه بالای ۱۵ درصد، درج شده است. با نگاهی گذرا به این جدول نتیجه می‌شود که:

- ۱- در سال ۱۳۸۴ همانند سال ۱۳۷۶، محصول گوجه‌فرنگی با اختصاص کمترین حد پایین (۹۸/۵)، بالاترین حد بالا (۷۰۳/۸) (رتبه ۲ و بعد از هلو)، بالاترین انحراف معیار (۱۶۴/۰۲) (رتبه ۲ و بعد از هلو)، بالاترین دامنه تغییرات (۶۰۵/۳) و بالاخره بالاترین ضریب تغییرات (۶۶/۰۵) از میان شاخص بهای عمده‌فروشی تمامی ۲۹۴ ردیف را از آن خود نموده است. در واقع، این محصول بالاترین دامنه تغییرات و بی‌ثباتی شاخص قیمت عمده‌فروشی در میان ۲۹۴ محصول کشاورزی مورد مطالعه را از آن خود کرده است.

جدول ۲- مطالعه تطبیقی شاخص بهای عمده‌فروشی (۱۰۰=۱۳۷۶) محصولات کشاورزی با بالاترین نوسان قیمت طی دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ واحد ارقام به: درصد

ردیف	کد کالا	شرح کالا	ماتکین	حد بالای	حد پایین	انحراف معیار	۱۳۸۴		۱۳۷۶	
							ضریب تغییرات	دامنه تغییرات	ضریب تغییرات	دامنه تغییرات
۱	۱۶۵	گوجه‌فرنگی	۱۰۰	۲۷۱	۳۳/۳	۷۸/۸	۳۳۷/۷	۴۷/۸	۱۱۲/۹	
۲	۱۵۹	هلو	۱۰۰	۱۷۵/۹	۶۳	۴۷/۸	۱۱۲/۹	۴۷/۸	۱۱۲/۹	
۳	۱۳۸	پياز	۱۰۰	۱۵۷/۷	۴۷/۷	۴۷/۸	۱۱۰	۴۷/۸	۱۱۰	
۴	۱۶۶	بادنجان	۱۰۰	۱۷۳/۵	۱۲/۶	۳۹/۶۹	۱۱۰/۹	۳۹/۶۹	۱۱۰/۹	
۵	۱۵۸	سیب‌زمینی	۱۰۰	۱۶۸/۸	۵۸/۶	۳۳/۸	۱۱۰/۳	۳۳/۸	۱۱۰/۳	
۶	۱۳۳	پرتقال ۲	۱۰۰	۱۳۴/۳	۶۵/۴	۳۰/۷۳	۶۸/۸	۳۰/۷۳	۶۵/۴	
۷	۱۳۲	پرتقال ۱	۱۰۰	۱۳۷/۶	۶۷/۱	۲۹/۳۱	۶۵/۵	۲۹/۳۱	۶۵/۵	
۸	۱۴۴	سیب‌زمیرا	۱۰۰	۱۳۹/۵	۶۸/۵	۲۸/۶۷	۷۱	۲۸/۶۷	۷۱	
۹	۷۸	نخود	۱۰۰	۱۵۸/۷	۷۹/۶	۳۶/۲۹	۷۹/۱	۳۶/۲۹	۷۹/۱	
۱۰	۱۳۵	نارنگی	۱۰۰	۱۳۳/۱	۶۴/۲	۲۴/۷۵	۶۸/۹	۲۴/۷۵	۶۸/۹	
۱۱	۱۵۴	خربزه طالی	۱۰۰	۱۳۵/۳	۷۳/۸	۲۴/۱۱	۶۷/۵	۲۴/۱۱	۶۷/۵	
۱۲	۱۴۵	سیب‌گلاب ۱	۱۰۰	۱۴۶/۷	۸۰	۲۴/۳۳	۶۶/۷	۲۴/۳۳	۶۶/۷	
۱۳	۱۴۲	سیب درختی	۱۰۰	۱۳۹/۴	۷۶	۲۷/۰۲	۶۰/۴	۲۷/۰۲	۶۰/۴	
۱۴	۱۵۱	هلو	۱۰۰	۱۳۳/۸	۶۹/۸	۲۰/۷۹	۵۴	۲۰/۷۹	۵۴	
۱۵	۸۰	نخود و له نخود	۱۰۰	۱۴۴/۳	۸۳/۷	۲۰/۰۳	۶۰/۹	۲۰/۰۳	۶۰/۹	

منابع: نتایج حاصل از تحقیق

۲- بالاترین میانگین شاخص بهای عمده‌فروشی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، به انار (۵۲۹/۰۹)، نارنگی (۵۰۰/۱۸)، نخود (۴۹۵/۴۸)، تربچه (۴۶۴/۳۹)، سیب گلاب (۴۴۷/۰۳)، سیب قرمز (۴۳۰/۳۳)، سیب‌درختی (۴۲۵/۲۸)، هلو (۴۲۳/۶۹) و گلابی (۴۰۸/۶۳) تعلق دارد و بدین ترتیب شاخص بهای این محصولات در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۷۶ به بیش از چهار برابر افزایش نشان می‌دهد.

۳- بالاترین انحراف معیار شاخص بهای محصولات کشاورزی در سال ۱۳۸۴، به هلو (۱۶۸/۳۳)، نارنگی (۱۶۶/۵۷)، گوجه‌فرنگی (۱۶۴/۰۲) و لپه‌نخود (۱۵۵/۸۷) اختصاص دارد، حال آن‌که در سال ۱۳۷۶، بالاترین انحراف معیار از آن گوجه‌فرنگی (۷۶/۸)، پیاز (۴۷/۸۹)، لیموشیرین (۴۶/۵۹) و بادنجان (۳۹/۶۹) بوده است.

۴- بالاترین دامنه تغییرات شاخص بهای این محصولات در سال ۱۳۸۴، از آن گوجه‌فرنگی (۶۰۵/۳)، هلو (۴۵۹/۹)، تره (۴۴۱/۲) و لپه‌نخود (۴۳۶/۲) بوده و حال آن‌که بالاترین دامنه تغییرات در سال ۱۳۷۶ به گوجه‌فرنگی (۲۳۷/۷)، پیاز (۱۱۲/۹)، بادنجان (۱۱۰/۹)، سیب‌زمینی (۱۱۰/۲) و لیموشیرین (۱۱۰) تعلق داشت.

۵- از لحاظ بالاترین ضریب تغییرات شاخص بهای عمده‌فروشی این محصولات بعد از گوجه‌فرنگی به ترتیب به سبزیهای بوته‌ای (۴۳/۴۴)، هلو (۳۹/۷۳)، پیاز (۳۸/۷) و هندوانه (۳۶/۵۸) اختصاص دارد، در حالی که در سال ۱۳۷۶، بالاترین ضریب تغییرات شاخص بها به گوجه‌فرنگی (۷۶/۷۹)، پیاز (۴۷/۸۹)، لیموشیرین (۴۶/۵۹)، بادنجان (۳۹/۶۹)، سیب‌زمینی (۳۳/۸۸) و پرتقال (۳۰/۷۳) تعلق داشت. با دقت در شاخص بهای این محصولات نتیجه می‌شود که ویژگی عمومی این محصولات فسادپذیری بالای آن محصولات است.

۶- مطابق این نتایج، بالاترین نوسان و بی‌ثباتی نسبی قیمت ماهانه محصولات کشاورزی از آن گوجه‌فرنگی، پیاز، نخود، سیب‌درختی، پرتقال، سیب‌زمینی، هندوانه و انگور بوده است.

۷. دوره زمانی اعمال تعرفه فصلی محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه فصلی

قیمت ماهانه برخی از محصولات کشاورزی در فصولی از سال - هم‌زمان با برداشت محصول - شدیداً روبه کاهش می‌گذارد که علت آن را باید در برداشت و عرضه داخلی انبوه آن هم‌زمان با واردات این محصول با تعرفه‌های پایین جستجو کرد. به منظور مشخص کردن فصولی (ماه‌هایی) از سال برای محصولات کشاورزی منتخب که بایستی تعرفه فصلی اعمال شود، علاوه بر استفاده از زمان برداشت آن محصولات - هم‌زمان با میزان تولید آن محصول در ماه‌های مختلف سال در کشور با عنایت به میزان تقاضای ماهانه یک‌نواخت برای آن - درصد کاهش و نوسانات قیمت مبنای انتخاب دوره اعمال تعرفه فصلی قرار گرفت. بر مبنای شاخص بهای قیمت تولیدکننده برای دوازده ماهه سال‌های ۸۴-۱۳۸۱، دوره زمانی و میزان تعرفه فصلی محصولات کشاورزی تحت شمول تعرفه فصلی، در جدول شماره (۳) به تفکیک محصولات منتخب ارائه شده است.

جدول ۳- محصولات تحت شمول تعرفه فصلی همراه با دوره زمانی و میزان تعرفه فصلی آن محصولات

شرح	دوره زمانی تعرفه فصلی		میزان تعرفه فصلی
	دوره زمانی اعمال	خارج از دوره زمانی	
سیب درختی (۰۸۰۸/۱۰)	۵/۱ تا ۱۱/۳۰ همان سال	۱۲/۱ تا ۴/۳۱ سال بعد	۷۰
پرتقال (۰۸۰۵/۱۰)	۷/۱ تا ۱۱/۳۰ همان سال	۱۲/۱ تا ۶/۳۱ سال بعد	۷۱/۵
انگور (۰۸۰۶/۱۰)	۵/۱ تا ۱۱/۳۰ همان سال	۱۲/۱ تا ۴/۳۱ سال بعد	۶۵/۵
سیب زمینی (۰۷۰۱/۹)	۴/۱ تا ۱۱/۳۰ همان سال	۱۲/۱ تا ۳/۳۱ سال بعد	۴۷/۵
پیاز (۰۷۰۳/۱۰)	۲/۱ تا ۹/۳۰ همان سال	۱۰/۱ تا ۱/۳۱ سال بعد	۵۳/۵
نخود رسمی (۰۷۱۳/۲۰)	۳/۱ تا ۶/۳۱ همان سال	۷/۱ تا ۲/۳۱ سال بعد	۲۷
هندوانه (۰۸۰۷/۱۱)	۴/۱ تا ۸/۳۰ همان سال	۹/۱ تا ۳/۳۱ سال بعد	۸۱
گوجه‌فرنگی (۰۷۰۲/۰۰)	۳/۱ تا ۹/۳۰ همان سال	۱۰/۱ تا ۲/۳۱ سال بعد	۶۶

ماخذ: نتایج حاصل از تحقیق

۸. برآورد میزان تعرفه فصلی محصولات کشاورزی منتخب

در این قسمت ابتدا وضعیت بازار داخلی از جمله تولید، مصرف، تجارت، شاخص خودبستگی و قیمت تولیدی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برای هشت محصول کشاورزی منتخب مطالعه شد. سپس سیاست تجاری و موانع دسترسی به بازار داخلی طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۶ بررسی و در ادامه معادل تعرفه‌ای واردات آن محصولات محاسبه و آنگاه تعرفه فصلی با استفاده از دو روش شکاف قیمتی و حقوق ورودی موجود بدست آمده است. نتایج بشرح زیر است:

سیب درختی: تولید داخلی سیب در کشور با نرخ رشد ۲/۶۵ درصد از ۲ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۲/۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. مصرف داخلی سیب با نرخ رشد سالانه ۲/۵۶ درصد از ۱/۶۵ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۱/۹۷ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسیده است. طی دوره فوق به طور متوسط سالانه حدود ۱۸۵ هزار تن معادل ۷/۹ درصد از تولید داخلی کشور صادر شده است. شاخص خودبستگی از ۱۲۱ در سال ۱۳۷۶ به ۱۲۲ در سال ۱۳۸۳ رسیده که بدین ترتیب تولید داخلی علاوه بر کفاف مصرف داخلی، بخشی از آن به بازار جهانی صادر می‌شود.

مطالعه سیاست تجاری سیب در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ورود سیب به ایران علاوه بر اعمال ۹۵ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای ممنوعیت ورود نیز مواجه بوده است. در سال ۱۳۷۸، ممنوعیت ورود سیب حذف و اخذ مجوز ورود از وزارت‌های بازرگانی و کشاورزی جایگزین آن شد. مضاف بر آن حقوق ورودی به رقم بی‌سابقه ۱۸۰ درصد طی سال‌های ۱۳۷۸، ۷۹ و ۸۰ افزایش یافت. طی سال‌های برنامه سوم توسعه بویژه ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی بتدریج کاهش یافت و در سال ۱۳۸۳ به ۵۰ درصد رسید. طی دو سال اول برنامه چهارم توسعه روند کاهشی حقوق ورودی واردات سیب تداوم داشت به طوری که در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بترتیب به ۴۵ و ۱۰ درصد رسید^۱.

۱. در سال ۱۳۸۵ برای اولین بار در قیل واردات سیب، تعرفه فصلی اعمال شده است. بدین صورت که حقوق ورودی سیب از تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱ لغایت ۱۳۸۵/۱۱/۱۵، ۴۵ درصد و برای بقیه ماه‌های سال حقوق ورودی ۱۰ درصد است.

معادل تعرفه‌ای واردات سیب طی دوره از ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ طی سال‌های بعد پیوسته با نوسان مواجه بوده به طوری که در سال ۱۳۸۰ به رقم بی سابقه منفی ۳۵/۴ رسید و پس از آن طی سال‌های ۸۳-۱۳۸۰ بتدریج بهبود یافت. طی دوره مورد بحث مالیات ضمنی بر تولید داخلی آن وضع شده است. نتایج حاصل از محاسبه تعرفه فصلی سیب با استفاده از دو روش تعرفه فصلی برای دوره برداشت سیب، ۶۸/۸۳ تا ۷۳/۷۲ درصد و برای بقیه ماه‌های سال ۲۹/۴۲ تا ۳۱/۵۱ درصد بدست آمده است.

پرتقال: تولید داخلی پرتقال در کشور با نرخ رشد ۱/۵۵ درصد از ۱/۷ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۱/۹ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. مصرف داخلی پرتقال نیز تقریباً برابر با نرخ رشد تولید داخلی (با نرخ رشد سالانه ۱/۶ درصد) از ۱/۵ میلیون تن به ۱/۷ میلیون تن رسید. صادرات پرتقال ایران با نرخ رشد ۹/۶ درصد در طول دوره از ۱۷/۸۷ هزارتن به ۳۳/۹ هزار تن افزایش یافت. بر این اساس به طور متوسط سالانه ۱۵/۴ هزارتن معادل یک درصد از تولید داخلی صادر می‌شود. شاخص خودبسنده‌گی پرتقال در ایران از ۱۱۲/۴ در سال ۱۳۷۶ به ۱۱۱/۹ در سال ۱۳۸۳ رسیده که نشان می‌دهد طی دوره به‌طور متوسط حدود ۱۲ درصد از تولید مازاد بر مصرف داخلی صادر می‌شود.

سیاست تجاری پرتقال در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ورود پرتقال به ایران علاوه بر اعمال ۹۵ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای ممنوعیت ورود مواجه بوده است. در سال ۱۳۷۸، ممنوعیت ورود پرتقال حذف و به جای آن، اخذ مجوز ورود از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی اضافه شد و حقوق ورودی نیز به رقم بی سابقه ۱۸۰ درصد طی سال‌های ۱۳۷۸، ۷۹ و ۸۰ رسید. طی سال‌های برنامه سوم توسعه بویژه سال‌های ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی به تدریج کاهش یافت و در سال ۱۳۸۳ به ۵۰ درصد رسید. طی دو سال اول برنامه چهارم توسعه روند کاهشی حقوق ورودی واردات پرتقال تداوم داشت و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بترتیب به ۴۵ و ۱۰ درصد رسید. در سال ۱۳۸۵ برای اولین بار برای واردات پرتقال، تعرفه فصلی ۴۵ درصد از تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱ لغایت ۱۳۸۵/۱۱/۱۵ و برای بقیه ماه‌های سال تعرفه ۱۰ درصد اعمال شد.

معادل تعرفه‌ای پرتقال طی دوره منفی بوده که به معنی آن است همواره مالیات ضمنی بر تولید داخلی آن اخذ می‌شود. نتایج حاصل از محاسبه تعرفه فصلی پرتقال با استفاده از روش حقوق ورودی موجود ۷۱/۵۴ درصد برای دوره برداشت و ۲۸/۳ درصد برای بقیه ماههای سال بدست می‌آید.

انگور: تولید انگور در کشور با نرخ رشد ۴ درصد از ۲/۱ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۲/۸ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. مصرف انگور از ۱/۶۷ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ پیوسته روبه افزایش گذاشته و در سال ۱۳۸۲ به ۱/۹۴ میلیون تن رسید و اما در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ۵۰۰ هزار تن مواجه شده و به ۱/۴۴ میلیون تن رسیده است. افزایش صادرات انگور از ۲۳۹ هزار تن در سال ۱۳۷۶ به ۱۰۷۳ هزار تن در سال ۱۳۸۳ نرخ رشد ۲۴ درصد را نشان می‌دهد. طی دوره به طور متوسط سالانه حدود ۴۶۶ هزار تن معادل ۱۸/۵ درصد از تولید داخلی کشور صادر شده است. شاخص خودبستگی از ۱۲۷ در سال ۱۳۷۶ به ۱۹۴ در سال ۱۳۸۳ رسیده که نشان می‌دهد طی دوره به طور متوسط حدود ۴۴ درصد از تولید مازاد بر مصرف داخلی صادر شده است.

مطالعه سیاست تجاری واردات انگور در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می‌دهد که طی دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ورود انگور به ایران علاوه بر اعمال ۹۵ درصد حقوق ورودی، با مانع غیر تعرفه‌ای ممنوعیت ورود مواجه بود. در سال ۱۳۷۸، ممنوعیت ورود انگور حذف و به جای آن، اخذ مجوز ورود از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی اضافه شد و مضاف بر آن حقوق ورودی به رقم ۱۸۰ درصد طی سال‌های ۱۳۷۸، ۷۹ و ۸۰ رسید. طی سال‌های برنامه سوم توسعه علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی به تدریج کاهش و در سال ۱۳۸۳ به ۵۰ درصد رسید. در دو سال اول برنامه چهارم توسعه روند کاهش حقوق ورودی واردات انگور تداوم داشت و در سال ۱۳۸۵ به ۴۰ درصد رسید.

معادل تعرفه‌ای انگور طی دوره همواره با نوسان روبه کاهش گذاشته است. محاسبه تعرفه فصلی انگور با استفاده از روش حقوق ورودی موجود، ۶۵/۴۶ درصد برای دوره برداشت و ۲۴/۴ درصد برای بقیه ماه‌ها بدست آمده است.

سیب‌زمینی: تولید سیب‌زمینی در کشور با نرخ رشد ۳/۵ درصد از ۳/۳ میلیون تن در

سال ۱۳۷۶ به ۴/۲ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسید. مصرف سیب زمینی با نرخ رشد سالانه ۳/۴ درصد از ۲/۷ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۳/۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسید که به طور متوسط در هر سال معادل ۳ میلیون تن مصرف داخلی است. سیب زمینی از جمله مواد غذایی است که همه ساله بخشی از آن در مواقعی از سال صادر و در ماههایی از سال نیز برای تامین مصرف داخلی وارد می شود. طی دوره بررسی به طور متوسط سالانه ۶۴ هزار تن صادر و ۲۴/۲ هزار تن وارد شده است. شاخص خودبستگی این محصول از ۱۲۰/۵ در سال ۱۳۷۶ به ۱۲۲ در سال ۱۳۸۳ رسیده که نشان می دهد به طور متوسط ۲۰ درصد از تولید مازاد بر مصرف آن صادر می شود.

مطالعه سیاست تجاری واردات سیب زمینی در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می دهد که تا سال ۱۳۸۰ ورود سیب زمینی به ایران علاوه بر اعمال ۳۵ تا ۴۵ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای اخذ مجوز ورود از وزارت خانه های بازرگانی و کشاورزی مواجه بود. طی سال های برنامه سوم توسعه بویژه ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی به تدریج کاهش و در سال ۱۳۸۳ به ۳۰ درصد رسید. همین وضعیت در دو سال اول برنامه چهارم توسعه نیز تداوم داشت.

معادل تعرفه‌ای سیب زمینی طی دوره از ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به رقم منفی ۴۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ رسید و لذا مالیات ضمنی بر تولید داخلی آن اخذ شده است. نتایج حاصل از محاسبه تعرفه فصلی سیب زمینی، ۴۷/۵ درصد برای دوره برداشت و ۱۸/۹۵ درصد برای بقیه ماهها بدست می آید.

پیاز: تولید پیاز در کشور با نرخ رشد ۳/۲۷ درصد از ۱/۱۶ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۱/۴۵ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت که نشان می دهد به طور متوسط ۱/۴ میلیون تن در سال تولید می شود. مصرف داخلی پیاز با نرخ رشد سالانه ۳/۹۴ درصد از ۹۶۸/۷ هزارتن در سال ۱۳۷۶ به ۱/۲۷ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسید که به طور متوسط بیانگر ۱/۲ میلیون تن مصرف داخلی در سال می باشد. صادرات پیاز از ۷۴/۱ هزارتن در سال ۱۳۷۶ به ۴۰/۴۳ هزارتن در سال ۱۳۸۳ تقلیل یافت که نرخ رشد منفی ۸/۳ درصد است. در طول دوره به طور متوسط سالانه ۷۰ هزار تن معادل ۵ درصد از تولید داخلی کشور صادر شده

است. شاخص خودبستگی نیز از ۱۱۹/۵ در سال ۱۳۷۶ به ۱۱۴/۲ در سال ۱۳۸۳ رسیده که نشان می‌دهد طی دوره به طور متوسط ۱۸ درصد از تولید مازاد بر مصرف داخلی صادر شده است.

مطالعه سیاست تجاری واردات پیاز در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می‌دهد که طی دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ورود پیاز به ایران علاوه بر اعمال ۳۰ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای ممنوعیت ورود مواجه بود. در سال ۱۳۷۸، ممنوعیت ورود پیاز حذف و به جای آن، اخذ مجوز ورود از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی اضافه شد و در سال‌های ۸۰-۱۳۷۸ نیز حقوق ورودی به ۸۰ درصد طی سالهای ۸۰-۱۳۷۸ رسید. طی سال‌های برنامه سوم بویژه ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی به تدریج کاهش یافت و در سال ۱۳۸۳ به ۳۰ درصد رسید. همین وضعیت در دو سال اول برنامه چهارم نیز تداوم دارد.

معادل تعرفه‌ای پیاز طی دوره از ۱۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۶ طی سالهای بعد با نوسان روبه کاهش گذاشت و در سال ۱۳۸۳ به رقم منفی ۴۳/۳ درصد تنزل یافت. بدین ترتیب، طی دوره مالیات ضمنی از تولید داخلی آن اخذ شده است. نتایج محاسبه تعرفه فصلی پیاز، ۵۳/۵ درصد برای دوره برداشت و ۱۶/۸۲ درصد برای بقیه ماههای سال بدست می‌آید.

نخود: تولید نخود در کشور با نرخ رشد ۴/۲ درصد از ۱۳۸/۶ هزار تن در سال ۱۳۷۶ به ۱۸۵ هزار تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت که به طور متوسط در هر سال ۱۷۵/۵ هزار تن تولید می‌شود. مصرف داخلی نخود با نرخ رشد سالانه ۵/۵۷ درصد از ۱۱۵/۴ هزار تن در سال ۱۳۷۶ به ۱۶۸/۶ هزار تن در سال ۱۳۸۳ رسید که به طور متوسط در هر سال ۱۵۴/۷۵ هزار تن مصرف می‌شود. صادرات نخود از ۸ هزار تن در سال ۱۳۷۶ پیوسته روبه کاهش گذاشته و در سال ۱۳۸۳ به کمتر از یک هزار تن رسید. با این حال طی دوره به طور متوسط سالانه حدود ۵ هزار تن معادل ۲/۸ درصد از تولید داخلی کشور صادر شده است. شاخص خودبستگی از ۱۲۰ در سال ۱۳۷۶ به ۱۱۰ در سال ۱۳۸۳ رسیده که در واقع طی دوره به طور متوسط ۱۴ درصد از تولید مازاد بر مصرف داخلی صادر شده است.

مطالعه سیاست تجاری نخود در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می‌دهد که طی

سال‌های ۷۹-۱۳۷۶ ورود نخود به ایران علاوه بر اعمال ۲۰ تا ۴۰ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای اخذ مجوز ورود از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی مواجه بوده است. در سال ۱۳۸۰ با حذف مجوز وزارت جهاد کشاورزی، حقوق ورودی واردات این محصول به ۸۵ درصد افزایش یافت. اما در سال‌های برنامه سوم بویژه ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی به تدریج کاهش یافت و در سال ۱۳۸۳ به ۱۵ درصد رسید. همین وضعیت در دو سال اول برنامه چهارم توسعه نیز تداوم داشت.

معادل تعرفه‌ای نخود طی دوره از رقم منفی ۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۶ طی سال‌های بعد تا ۱۳۷۹ پیوسته افزایش داشته و در سال ۱۳۷۹ به رقم ۵۰/۴ درصد رسید و پس از آن طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰ بتدریج روبه کاهش گذاشت و مجدداً در سال ۱۳۸۳ اندکی بهبود یافت. نتایج حاصل از محاسبه تعرفه فصلی نخود، ۲۷ درصد برای دوره زمانی برداشت و ۸/۳ درصد برای بقیه ماههای سال بدست آمده است.

هندوانه: تولید هندوانه در کشور با نرخ رشد منفی ۰/۱۳ درصد از ۲/۱۷ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۲/۱۵ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسید. مصرف داخلی آن با نرخ رشد منفی ۰/۸۷ درصد از ۱/۸۵ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۱/۷۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسید که متوسط مصرف سالانه کشور ۱/۷۷ میلیون تن می‌باشد. شاخص خودبسنندگی از ۱۱۷/۶ در سال ۱۳۷۶ به ۱۲۳/۷ در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته که طی دوره به طور متوسط ۱۸ درصد از تولید مازاد بر مصرف داخلی صادر شده است.

مطالعه سیاست تجاری هندوانه در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ نشان می‌دهد که طی دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ورود هندوانه به ایران علاوه بر اعمال ۹۵ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای ممنوعیت ورود مواجه بود. در سال ۱۳۷۸، ممنوعیت ورود هندوانه حذف و به جای آن، اخذ مجوز ورود از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی اضافه شد و مضاف بر آن حقوق ورودی به رقم بی سابقه ۱۸۰ درصد طی سال‌های ۱۳۷۸، ۷۹ و ۸۰ افزایش یافت. طی سال‌های برنامه سوم توسعه بویژه ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی به تدریج کاهش یافته و در سال ۱۳۸۳ به ۴۰ درصد رسید. همین وضعیت در دو سال اول برنامه چهارم توسعه تداوم یافت.

معادل تعرفه‌ای هندوانه طی دوره پیوسته منفی بوده که همواره از تولید داخلی این محصول مالیات ضمنی اخذ شده است. نتایج محاسبه تعرفه فصلی هندوانه، ۸۰/۹۵ درصد برای دوره برداشت و ۱۹/۷۶ درصد برای بقیه ماههای سال بدست آمده است.

گوجه‌فرنگی: تولید گوجه‌فرنگی در کشور با نرخ رشد ۷/۴ درصد از ۲/۵۵ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۴/۲ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است که متوسط تولید سالانه این محصول برابر ۳/۴۹ میلیون تن است. مصرف داخلی گوجه‌فرنگی نیز همپای رشد تولید افزایش یافته (با نرخ رشد سالانه ۷/۸ درصد) و از ۲/۰۷ میلیون تن در سال ۱۳۷۶ به ۳/۵ میلیون تن در سال ۱۳۸۳ رسیده است که متوسط مصرف داخلی سالانه در طول دوره ۲/۹۱ میلیون تن است. صادرات گوجه‌فرنگی از ۲۱۸/۸ هزار تن در سال ۱۳۷۶ به ۲۸۰/۳ هزار تن در سال ۱۳۸۳ با نرخ رشد ۳/۶ درصد افزایش یافته است. شاخص خودبستگی از ۱۲۲/۸ در سال ۱۳۷۶ به ۱۲۰ در سال ۱۳۸۳ رسیده که به طور متوسط ۲۰/۶ درصد از تولید مازاد بر مصرف داخلی صادر می‌شود.

مطالعه سیاست تجاری گوجه‌فرنگی در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۷۶ حکایت از آن دارد که طی دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ ورود گوجه‌فرنگی به ایران علاوه بر اعمال ۲۵ درصد حقوق ورودی، با مانع غیرتعرفه‌ای ممنوعیت ورود مواجه بوده است. در سال ۱۳۷۸، ممنوعیت ورود گوجه‌فرنگی حذف و به جای آن، اخذ مجوز ورود از وزارت خانه‌های بازرگانی و کشاورزی اضافه شد و مضاف بر آن حقوق ورودی به رقم ۸۵ درصد طی سالهای ۱۳۷۸، ۷۹ و ۸۰ افزایش یافت. طی سالهای برنامه سوم توسعه بویژه ۸۳-۱۳۸۲ علاوه بر حذف مجوزها، حقوق ورودی بتدریج کاهش یافت و در سالهای ۸۵-۱۳۸۳ به ۲۰ درصد رسید.

معادل تعرفه‌ای گوجه‌فرنگی طی دوره غالباً منفی بوده است که مبین عدم حمایت از تولید داخلی گوجه‌فرنگی است. نتایج حاصل از محاسبه تعرفه فصلی گوجه‌فرنگی میزان تعرفه فصلی ۶۶ درصد برای دوره برداشت و ۶/۰۶ درصد برای بقیه ماه‌های سال بدست آمده است.

جدول ۳- میزان تولید، مصرف، واردات، صادرات، قیمت، سیاست تجاری و معادل تعرفه‌های محصولات تحت شمول تعرفه فصلی ایران طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۶

شرح	تولید	مصرف	واردات	صادرات	خالص صادرات	شاخص خودبستگی درصد	قیمت تولیدی ریال/کیلوگرم	قیمت عمده‌فروشی ۱۳۷۱=۱۰۰	حقوق ورودی (درصد)	موانع ورودی	معدل تعرفه ارزشی درصد
۱- سبب درختی (ردیف ۸۰/۸۱-توقفه)	هزارتن	هزارتن	هزارتن	هزارتن	هزارتن	درصد	ریال/کیلوگرم	۱۳۷۱=۱۰۰	حقوق ورودی (درصد)	موانع ورودی	معدل تعرفه ارزشی درصد
۱/۴	۱۹۹۸/۱	۱۶۵۱	۰	۱۴۷/۳	۱۸۷/۱	۱۲۱/۰۲	۶۰۵	۱۰۰	۹۵	-	*
۱/۷	۲۴۰۰	۱۹۶۷/۵	۱/۷	۱۹۴/۳	۲۰۸/۵	۱۲۱/۹۸	۱۷۸۴/۴	۴۳۸/۸	۵۰	-	-
...	۲/۶۵	۲/۵۶	...	۴	۱/۹	۰/۱	۲۴	۱۹/۸
...	۲۲۱۳/۵	۱۸۱۷/۴	...	۱۷۵	۱۷۷/۵	۱۲۲/۱
۲- برآورد (ردیف ۸۰/۵۱-توقفه)											
-۱۴/۷	۱۳۷۶	۱۵۱۷/۲	۰	۱۷/۸۷	۲۵۸/۵	۱۱۷/۴	۶۳۳/۴	۱۰۰	۹۵	-	۰
-۴۵/۵	۱۳۸۳	۱۶۹۷/۵	۱۴۴	۳۳/۹	۳۳۹/۸	۱۱۱/۹	۱۶۱۴/۷	۲۰۸/۷	۵۰	-	-
...	نرخ رشدسالانه	۱/۵۸	...	۳/۹	-۸/۲۱	-۰/۰۶	۳۷/۱	۱۶/۴۸	-۲۲/۱۳
...	متوسط دوره	۱۸۳۵/۴۱	...	۱۵/۴۳	۳۵۰/۳۱	۱۷/۱۹
۳- انگور (ردیف ۸۰/۱۰-توقفه)											
۱۳۰/۷	۱۳۷۶	۱۶۳۳/۱	۰	۳۳۹/۱	۱۰۴/۹	۱۲۷	۳۳۷/۷	۱۰۰	۹۵	-	۰
۷۱/۴	۱۳۸۳	۱۴۴۴/۷	۰	۱۰۷۵/۳	۱۰۲/۷	۱۹۳/۹	۱۵۳۴/۷	۲۵۵/۸	۴۰	-	-
...	نرخ رشدسالانه	۳/۹۴	...	۲۴	-۰/۳	۲/۱	۱۰/۹	۱۷/۰۵
...	متوسط دوره	۲۵۱۳/۶	...	۴۵۰/۳	۱۲۴/۳۹	۱۴۴/۲
۴- سبب‌زینی (ردیف ۷۰/۱۹-توقفه)											
۳/۵	۱۳۷۶	۲۷۲۳	۱۷/۲۵	۸۵/۷	۱۱۰/۳	۱۲۰/۵	۴۴۳/۲	۱۰۰	۳۵	۱۶	-
-۴۴/۳	۱۳۸۳	۳۴۳۵/۸	۵۱/۹۷	۴۱/۷	۱۹۳/۹	-۱/۰۳	۹۴۱/۲	۲۲۸/۶	۳۰	-	-
...	نرخ رشدسالانه	۳/۳۸	۱۶/۷	-۹/۶	۸/۲	۰/۴	۱۸/۶	۱۷/۲۹
...	متوسط دوره	۳۱۰۹/۷	۲۴/۲	۱۲۰/۳۴	۶۴/۰۶	۱۱۹/۷

پژوهشنامه بازرگانی

شرح	تولید	مصرف	واردات	صادرات	خالص صادرات	شاخص خودبستگی درصد	قیمت توییدی	قیمت عمده‌فروشی	حقوق ورودی (درصد)	مجازها ممنوعیتها	مواد تیرف
	هزارتن	هزارتن	هزارتن	هزارتن	هزارتن	هزارتن	ریال/کیلوگرم	۱۳۷۱=۱۰۰			ارزشی درصد

۵- پیلار (دقیق ۰۷/۲۱۰ تیرف)

۱۵/۳	۰	-	۳۰	۱۰۰	۲۴۰	۱۱۹/۵	۷۲/۷	۶۹/۲	۷۴/۱	۱۲۰	۱/۵	۹۶۸/۷	۱۱۵۷/۲	۱۳۷۱
-۴۳/۴	-	-	۳۰	۲۲۷	۷۲۱/۴	۱۱۴/۳	۴۰/۴	۱۵۴/۳	۴۰/۴۳	۰	۰	۱۳۹۹/۶	۱۴۵۰	۱۳۸۳
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۷/۵	۱۸	-۰/۶۵	-۸/۰۵	۱۲/۱۵	-۸/۳	۰۰۰	۰۰۰	۳/۹۴	۳/۲۷	نرخ رشد سالانه
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۱۷/۶	۶۹/۶	۴۵/۶	۶۹/۹	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۱۹۴/۶	۱۴۰۴	متوسط دوره

۶- نخود (دقیق ۰۷۱۳/۲۰ تیرف)

-۴/۱	-	۱۶	۲۰	۱۰۰	۹۱۷	۱۲۰/۱	۷/۹۹	۳۱۷/۹	۷/۹۹	۰	۰	۱۱۵/۴	۱۳۸/۶	۱۳۷۱
-۲۶/۶	-	-	۱۵	۳۳۵/۷	۳۰۴۷/۴	۱۰۹/۷	۰/۰۳	۴۷۵/۶	۰/۸۲	۲۲/۹	۰/۸۹	۶۶۸/۶	۱۸۵	۱۳۸۳
...	۲۲/۱	۶/۴۶	-۱/۳	-۵۵	۵/۹	-۲۷/۸	۵/۵۷	۴/۲	نرخ رشد سالانه
...	۱۱۳/۸	۵	۵۹۹/۸	۵/۰/۸	۱۵۴/۵	۱۷۵/۵	متوسط دوره

۷- هندوانه (دقیق ۰۸۰۷/۱۱ تیرف)

-۴/۱	۰	-	۹۵	۱۰۰	۷۸۳/۷	۱۱۷/۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱۸۴۸/۳	۲۱۷۴/۴	۱۳۷۱
-۳۶/۸	-	-	۴۰	۱۷۸	۸۸۱/۹	۱۳۳/۷	۹۰/۸۸	۱۶۰	۹۰/۸۸	۰	۰	۱۳۳۶/۷	۲۱۵۰	۱۳۸۳
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۹/۳	۱۲/۴	۰/۷	-۰/۸۹	-۰/۱/۶	نرخ رشد سالانه
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۱۸/۴	۱۳۹۹/۶	۲۰۹۵/۲	متوسط دوره

۸- کوجه فرفری (دقیق ۰۷/۲۰۰ تیرف)

-۱۳/۲	۰	-	۲۵	۱۰۰	۳۸۷/۵	۱۲۲/۸	۲۱۸/۸	۱۴۸/۵	۲۱۸/۸	۰	۰	۲۰۷۳/۶	۲۵۴۷/۱	۱۳۷۱
-۲/۹	-	-	۲۰	۲۱۶	۶۸۶/۳	۱۲۰	۷۸۰/۲	۱۰۰/۷	۷۸۰/۳	۰	۰	۳۴۹۹/۸	۴۲۰۰	۱۳۸۳
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۲	۱۰	-۰/۲۹	۳/۶	۴/۶	۳/۶	۰۰۰	۰۰۰	۷/۸	۷/۴	نرخ رشد سالانه
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱۲۰/۶	۲۸۸/۷	۱۳۹	۲۳۱	۰۰۰	۰۰۰	۲۹۱۳/۶	۳۴۹۳/۹	متوسط دوره

منبع: نتایج حاصل از تحقیق

جمع‌بندی و ملاحظات

نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که: در میان ۲۹۴ محصول کشاورزی، محصولات کشاورزی شامل گوجه‌فرنگی، پیاز، نخود، سیب درختی، پرتقال، سیب زمینی، هندوانه و انگور جهت اعمال تعرفه فصلی در اولویت قرار دارند. دوره زمانی اعمال تعرفه فصلی - دوره زمانی برداشت و کف قیمت عمده‌فروشی ماهانه - محصولات کشاورزی شناسایی شده بشرح زیر بوده است: سیب درختی: مرداد لغایت اول اسفند (از ۵/۱ هر سال تا ۱۱/۳۰/هرسال)؛ پرتقال: مهر لغایت اول اسفند (۷/۱ تا ۱۱/۳۰/همان سال)؛ انگور: مرداد ماه لغایت اول اسفند (۵/۱ هر سال تا ۱۱/۳۰/همان سال)؛ سیب‌زمینی: تیر ماه لغایت اول اسفند (۴/۱ هر سال تا ۱۱/۳۰/همان سال)؛ پیاز: اردیبهشت ماه لغایت اول دی (۲/۱ هر سال تا ۹/۳۰/همان سال)؛ نخود: خرداد ماه لغایت شهریور ماه (۳/۱ هر سال تا ۶/۳۱/همان سال)؛ هندوانه: تیر تا اول آذر ماه (۴/۱ هر سال تا ۸/۳۰/همان سال)؛ گوجه‌فرنگی: خرداد لغایت اول دی ماه (۳/۱ هر سال تا ۹/۳۰/همان سال). مطابق نتایج برآورد نرخ تعرفه فصلی برای واردات در زمان برداشت سیب ۷۰ درصد؛ پرتقال ۷۱/۵ درصد؛ انگور ۶۵/۵ درصد؛ سیب‌زمینی ۴۷/۵ درصد؛ پیاز ۵۳/۵ درصد؛ نخود ۲۷ درصد؛ هندوانه ۸۱ درصد و گوجه‌فرنگی ۶۶ درصد برآورد می‌شود.

توصیه‌های سیاستی

۱- محصولات کشاورزی گوجه‌فرنگی، پیاز، نخود، سیب درختی، پرتقال، سیب زمینی، هندوانه و انگور جهت اعمال تعرفه فصلی در اولویت قرار دارند. همین‌طور، دوره زمانی اعمال تعرفه فصلی - دوره زمانی برداشت و کف قیمت ماهانه - بشرح زیر اعمال شود: سیب درختی: مرداد لغایت اول اسفند (از ۵/۱ هر سال تا ۱۱/۳۰/هرسال)؛ پرتقال: مهر لغایت اول اسفند (۷/۱ تا ۱۱/۳۰/همان سال)؛ انگور: مرداد ماه لغایت بهمن ماه (۵/۱ هر سال تا ۱۱/۳۰/همان سال)؛ سیب‌زمینی: تیر ماه لغایت اول اسفند (۴/۱ هر سال تا ۱۱/۳۰/همان سال)؛ پیاز: اردیبهشت ماه لغایت اول دی (۲/۱ هر سال تا ۹/۳۰/همان سال)؛

نخود: خرداد ماه لغایت شهریور ماه (۳/۱/ هر سال تا ۶/۳۱/ همان سال)؛ هندوانه: تیر تا اول آذر ماه (۴/۱/ هر سال تا ۸/۳۰/ همان سال)؛ گوجه‌فرنگی: خرداد لغایت اول دی ماه (۳/۱/ هر سال تا ۹/۳۰/ همان سال).

۲- در قانون مقررات تعرفه تثبیت شده (حداکثر تعرفه مجاز که بالاترین نرخ تعرفه فصلی نیز است) برای واردات در دوره برداشت سیب درختی ۷۰ درصد و در خارج از آن تعرفه کاربردی ۳۰ درصد؛ پرتقال در دوره برداشت ۷۱/۵ درصد و در خارج از آن ۲۸ درصد؛ انگور در دوره برداشت ۶۵/۵ درصد و در خارج از آن ۲۴/۴ درصد؛ سیب‌زمینی در دوره برداشت ۴۷/۵ درصد و در خارج از آن ۱۹ درصد؛ پیاز در دوره برداشت ۵۳/۵ درصد و در خارج از آن ۱۶/۸۲ درصد؛ نخود در دوره برداشت ۲۷ درصد و در خارج از آن ۸/۳ درصد؛ هندوانه در دوره برداشت ۸۱ درصد و در خارج از آن ۲۰ درصد و گوجه‌فرنگی در دوره زمانی برداشت ۶۶ درصد و در خارج از آن ۶ درصد پیشنهاد می‌شود.

۳- براساس کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۵ تعرفه فصلی پرتقال و نارنگی از اول مهر تا نیمه دوم بهمن، ۴۵ درصد؛ سیب از اول تیر تا ۱۵ بهمن ۴۵ درصد؛ گیلاس و آلبالو از اول اردیبهشت تا اول شهریور ۴۵ درصد و زردآلو نیز از اول اردیبهشت تا اول شهریور ۱۵ درصد است. چنانچه مقایسه‌ای میان تعرفه فصلی اعمال شده مذکور با آنچه از نتایج تحقیق بدست آمده است، صورت گیرد گویای آن است در گستره محصولات، دامنه زمانی آن و میزان تعرفه‌های فصلی محصولات منتخب تغییراتی بایستی صورت گیرد.

۴- در بعضی از ماههای سال که غالباً مصادف با دوره برداشت محصولات فوق است، قیمت محصولات در کف است، وزارت بازرگانی در صورت در اختیار داشتن انبار و سردخانه می‌تواند اقدام به خرید و ذخیره‌سازی نماید. این ذخایر در ماههای پرتقاضای سال مورد استفاده و توزیع قرار گیرد.

منابع

- اداره تحقیقات و مطالعات آماری، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران. مدیریت کل آمارهای اقتصادی بانک مرکزی، سالهای مختلف (۸۴-۱۳۷۶).
- بشارت، علی، (۱۳۷۵)؛ اصول، مبانی و مفاهیم علم آمار، موسسه فرهنگی انتشاراتی وثقی. حسینی. میرعبدا.. و همکاران، (۱۳۸۴)؛ سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل تعرفه ای در قالب ضوابط سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
- (۱۳۸۴)؛ اقتصادگندم و سیاستهای حمایتی از آن در ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تیرماه، تهران.
- عبدلی، قهرمان، (۱۳۸۳)؛ پیش بینی و تحلیل اثرات تقویمی نوسانات قیمت منتخبی از کالاهای اساسی در ایران (گوشت مرغ، گوسفند و تخم مرغ)، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، زمستان
- گمرک ج.ا. ایران. سالنامه آمار بازرگانی (واردات / صادرات)، سالهای ۸۳-۱۳۷۶
- همشهری، سه شنبه. ۱۷ آبان ۱۳۸۴. مشکلی برای تأمین میوه و مرکبات در روزهای پایانی سال وجود ندارد. سال سیزدهم
- مرکز آمار ایران، قیمت فروش محصولات و هزینه خدمات کشاورزی در مناطق روستایی کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (مدیریت انتشارات و اطلاع رسانی)، سالهای ۸۳-۱۳۷۶
- وزارت بازرگانی، مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن، سالهای ۸۵-۱۳۷۶
- وزارت کشاورزی (۱۳۷۳)؛ نشریه تقویم زراعی محصولات کشاورزی. اداره کل آمار و اطلاع رسانی. شماره ۲۱. بهمن
- وزارت جهاد کشاورزی (۸۳-۱۳۷۶)؛ هزینه تولید محصولات کشاورزی، اداره کل دفتر آمار و فن آوری اطلاعات.

وزارت جهاد کشاورزی (۸۲-۱۳۷۶)؛ آمارنامه کشاورزی، اداره کل دفتر آمار و فن آوری اطلاعات.

Arcal, Y.F.d.L., Meatz, M. (2000); " Trends in World and Agricultural Trade, Module1", *Introduction and General Topics*, 12 Pages.

Anania, G. (1997); "Policy choice and independence of country decisions in the implementation of the GATT agreement on agriculture", *Review of Agricultural Economics*, vol.24.

Anderson, James.E. and Neary, Peter (1994); " Measuring the Restrictiveness of Trade Policy", *World Bank Economic Review*, May .

Beaulieu, J. Joseph and Jeffery A. Miron (1993) ; "Seasonal Unit Roots in Aggregate U.S Data", *Journal of Econometrics*, Vol.55, pp. 305-328

Bell, W. R. , & Hillmer, S. C. (1983) ; "Modeling Time Series With Calendar Variation", *Journal of the American Statistical Association*, 78, PP. 526-534.

Chambers, R.G. and D.H.Pick (1994); " Marketing orders as nontariff trade barriers", *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 76.

Caballero, J.M., Calegar, G., and Cappi, C., 2000. Instruments of protection and their economic impact, Module 3. Introduction and General Topics, 21 pages.

FAO, (2003); Effects of Multilateral Trade Liberalization on Fresh and Processed Citrus Fruit Trade, (www.fao.org)

[http://www.world Bank.org](http://www.worldbank.org) or <http://www.world Bank.org/Wdi2000>

<http://apps.Fao.org/lim500/Wrap.pl?FoodBalancesheet&domain=FoodBalanceSheet>

Hillman, J.S. (1996); Nontariff Agricultural Trade Barriers Revisited, *International Agricultural Trade Research Consortium*, WP 96-2, PP:1-52

Ingco, M.D. (2001) "Tariffication in The Uruguay Round: How much liberalisation?", *World Economy*, Vol.19

Leamer, Edward. Measures of Openness, in R. Baldwin, ed., Trade Policy and Empirical Analysis. Chicago: University of Chicago Press, 1988.

Low, P. and Yeats, A. (1995); "Nontariff Measures and Developing Countries; Has The Uruguay Round Leveled the Playing Field?", *World Economy*, Vol. 18, No. 1.

- Moschini, G., (1991); Economic Issues in Tariffication: An Overview, GATT Research paper 90-GATT4, July 1991, PP:1-27
- Pearce, R. and Sharma, R. (2000); Market Access II:Tariff Rate Quotas, Module 5. Agreement on Agriculture. 11 Pages.
- Sumner, D.A.(1992); The economic underpinings of Uruguay Round proposals,improving agricultural trade performance under the GATT (Wissenschafts verlag vauk Kiel KG).
- World Bank. World Development Report,1999, Oxford University Press,
- Walter, I. (1992); Non Tariff Protection among Countries: Some Preliminary Empirical Evidence, Economic International, Vol. 25
- WTO.1994.Agreement on Agriculture.www.WTO.org/english/docs-e//egal-e/14-ag.pdf
- Wu Huang, Sophia (2004); “Global Trade Patterns in Fruits and Vegetables”, United States Department of Agriculture.